

بسم الله الرحمن الرحيم

اللهم صل على محمد وال محمد وعجل فرجهم

مجمع مدارس دانشجویی قرآن و عترت علیه السلام
مدرسه دانشجویی اهل بیت نبوت، کارگوه کودک



دانه پنجم تسبیح، الله اکبر

آهنگ رودخانه

نویسنده: زینب سادات موسوی

موضوع: دوستی با طبیعت، توجه به نعمت های طبیعی، حرکت و پویایی، عمق و آرامش

کلمات کلیدی: رودخانه، صدای آب، سنگ، دویدن

داستان پنجم الله اکبر: آهنگ رودخانه

نویسنده: زینب موسوی

حرکت و پویایی مثل جاری بودن رودخانه باعث زلالی و پاکی می‌شود.

حرکت باید به بزرگ شدن و عمق پیدا کردن منجر شود مثل دریا که وسیع و عمیق است.

آماده سازی ذهنی

تا به حال رودخانه دیدید؟ به آب رودخانه دست زدید؟ سردی آبش رو احساس کردید؟

اصلاً تا حالا پاتون رو توی آب گذاشتید؟ روی سنگها ؟

متن داستان

خانواده لیلا یعنی مامان و بابا و هدی و زهرا کوچولو، قرار بود همه با هم کنار رودخانه بروند. لیلا و خواهرش، هدی، آب‌بازی را خیلی دوست دارند. مخصوصاً اگر آب بازی‌اش در رودخانه باشد. چون آب رودخانه یک آب خیلی خنک و پر از سنگ‌های ریز و درشت است که می‌توانند با آن سنگ‌ها کلی بازی کنند.

وقتی بابا گفت که قرار است به رودخانه بروند، هدی گفت: «من دوست ندارم پاهایم را روی سنگ‌های رودخانه بگذارم، چون سنگ‌های رودخانه، کف پاهایم را درد می‌آورد.»

لیلا به هدی گفت: «خب تو می‌توانی با دمپایی بیایی توی آب رودخانه.» هدی خندید و گفت: «باشد با دمپایی صورتی که عکس خرگوش دارد می‌آیم، همان که خیلی دوستش دارم و با کاغذ برای خرگوش روی آن هویج درست می‌کنم.»

بعد از جمع کردن وسایل، همه سوار ماشین شدند. لیلا و هدی تمام مسیر را شعر خواندند و منتظر بودند که زودتر به رودخانه برسند. وقتی کنار رودخانه رسیدند، همه به هم کمک کردند تا فرش را پهن کنند و وسایل را کنار رودخانه بگذارند. مامان، زهرا کوچولو را در کنار خود خواباند. بعد مشغول سیب‌زمینی‌ها شد تا آن‌ها را داخل ورق

آلمینیومی بگذارد و با آتشی که بابا درست می‌کند، سیب‌زمینی دودی درست کنند و کنار هم بخورند. لیلا و هدی هم داشتند آماده می‌شدند که سریع داخل رودخانه بروند. مامان به بچه‌ها گفت: «دخترها قبل از این که وارد رودخانه بشوید، یک لحظه خوب گوش کنید. رودخانه چه صدایی دارد... صدای آرامش‌بخش حرکت آب را می‌شنوید؟» لیلا گفت: «بله مامان... تازه آب رودخانه خیلی تمیز و زلال است.» و به هدی و مامان نگاهی کرد و گفت: «مامان الان باید یک چیزی بگوییم...» همه با هم خندیدند و گفتند: «الله‌اکبر از این صدای زیبا! از این تمیزی و قشنگی رودخانه!» بچه‌ها سمت رودخانه دویدند و داخل آب شدند. صدای آب رودخانه دائم به گوش می‌رسید و لحظه‌ای قطع نمی‌شد.

لیلا با سنگ‌ها حوض کوچکی در کنار رودخانه درست کرد و هدی هم، در آوردن سنگ‌ها به او کمک کرد. ناگهان هدی روی سنگ‌های رودخانه لیز خورد و یک لنگه از دمپایی‌های او را، آب رودخانه با سرعت برد. لیلا و هدی بلند داد زدند: «بابا... دمپایی... دمپایی را آب برد...»

بابا مثل باز شکاری، پرنده‌ای سریع، پابرنه بدون دمپایی یا کفش داخل رودخانه شد و شروع به دویدن کرد. ولی آب خیلی سریع‌تر از بابا دمپایی را می‌برد. بابا باز هم به دنبال دمپایی رفت. بابا می‌دوید... دمپایی می‌رفت... بابا می‌دوید... دمپایی می‌رفت... بابا می‌دوید... دمپایی می‌رفت... خدا را شکر با یک حرکت سریع و هوشمندانه، بابای قهرمان به دمپایی رسید و آن را برداشت و برای بچه‌ها آورد. مامان و دخترها کلی بابا را تشویق کردند. واقعاً بابا تمام تلاشش را کرده بود.

لباس‌های بابا خیس شده بود. مامان و دخترها برای این که بابا سرما نخورد، دور بابا پتو انداختند. هدی گفت: «من دیگر با دمپایی توی آب نمی‌روم.» بابا گفت: «نه عزیزم، چرا نمی‌روی؟ باز هم توی آب برو، ولی این دفعه بیشتر مواظب باش!» هدی گفت: «توی رودخانه می‌روم، ولی بدون دمپایی، مثل لیلا و شما... آب همه اش دارد حرکت می‌کند، می‌ترسم دوباره دمپایی‌ام را با خودش ببرد.» بابا گفت: «آفرین چه حرف خوبی زدی! آب رودخانه دائماً در حال حرکت است و هیچ‌وقت نمی‌ایستد. بچه‌ها می‌دانید آب رودخانه به کجا می‌ریزد؟» بچه‌ها گفتند: «دریا...» بابا گفت: «دریا چقدر بزرگ است؟» بچه‌ها دست‌هایشان را خیلی باز کردند و گفتند: «این همه... خیلی بزرگ!»

مامان گفت: «چه جالب! یک رودخانه با این همه صدا و حرکت، به یک دریای بزرگ و آرام می‌ریزد!»

بچه‌ها به هم نگاه کردند و گفتند: «الله‌اکبر!»

مامان و بابا خندیدند. مامان گفت: «فکر کنم از این به بعد رودخانه ما را یاد دویدن بابا توی آب بیاندازد.»

هدی دمپایی صورتی‌اش را به مامان داد و با لیلا دویدند به سمت رودخانه. هدی با احتیاط و آرام روی سنگ‌ها پا گذاشت و بعد از چند لحظه گفت: «مامان... بابا... بدون دمپایی خیلی راحت‌تر می‌توانم توی رودخانه راه بروم...»

اهداف کلامی:

- آموزش اسم: اسم رودخانه، دریا

- آموزش لحن شگفتی: واکنش نشان دادن به پدیده‌ها، اظهار شگفتی در کلام، در حرکات

- آموزش لحن تشویقی: ترغیب به کارها و ایجاد انگیزه، اظهار خوشحالی از عمل خوب و بجا

- آموزش لحن دعایی: ذکر الله اکبر، یاد خدا و نشان دادن اتصال به خداوند در زندگی عادی

فعالیت پیشنهادی:

حتما به صدای رودخانه گوش بدید. اگر کنار خیابان یا کنار درختان، جوب آب دیدید، چشم تون رو ببینید و به صدای آن گوش بدید. واقعا آهنگ زیبایی دارد.

یک رودخانه نقاشی کن که دوست داشته باشی با پا توی آن بری و حسابی آب بازی کنی. اصلا ببین می‌تونی کاردستی یک رودخانه با کلی سنگ بزرگ و کوچک درست کنی؟



